

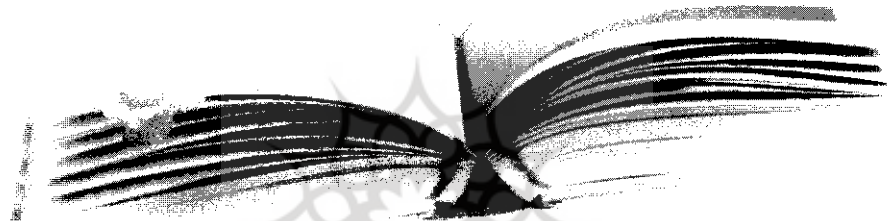


معرفی کتاب

کتاب

اللّه وجهه
کرم و

خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب



محمد مهدی موحد

تدوین حدیث تاکنون، کتاب‌هایی را
مخصوص فضائل و مناقب
امیر المؤمنین علیه السلام تدوین کرده‌اند که شمار
آن‌ها افزون بر دویست عنوان است.

یکی از این کتاب‌ها، کتاب خصائص
امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله
وجهه، تألیف ابو عبدالرحمان، احمد بن
شعیب نسائی است. این کتاب بدان جهت
که توسط یک از محدثان مورد اعتماد اهل
سنت تألیف یافته، حایز اهمّیت است.

با این که دشمنان علی بن ابی طالب علیه السلام
از روی حسادت و دوستانش از روی ترس،
فضائل و مناقب او را در طول تاریخ پنهان
داشته‌اند، کمتر مجموعه حدیثی می‌توان
یافت که صفحه‌ای از آن مزین به فضایل آن
انسان الهی نباشد. نه تنها کتاب‌های عظیم
حدیثی شیعه، که صحاح اهل سنت نیز از
دریای بی‌کران عظمت و بزرگی او سرشار
است.

راویان احادیث از سال‌های آغازین



سرنوشت نویسنده کتاب بیانگر جو
ناسالم روزگاران گذشته برای بیان حقیقت
و جانبداری از انسان‌هایی چون علی بن
ابی طالب علیه السلام است. فضایی که حتی بعضی
از عالمان منصف اهل سنت را وامی داشت تا
از ترس کشته شدن، با مغرضان و ناآگاهان
همنوا شده و حقیقت تاریخ اسلام را بپوشانند.
نویسنده کتاب مورد بحث، پیشوای
عصر خود در حدیث بود. پس از
مسافرت‌های فراوان علمی، در مصر
سکونت گزید. کتاب‌های او در مصر منتشر
شد و مردم از او حدیث می‌آموختند.

در اواخر عمرش به دمشق آمد. از او
درباره معاویه و فضائلش پرسیدند. گفت:
«فضیلتی برای او نمی‌شناسم جز این که
[پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او فرمود:] خداوند
شکمش را سیر نکند.»

چون انحراف مردم دمشق از
امیرالمؤمنین علیه السلام را مشاهده نمود، تصمیم
گرفت با نوشتن کتاب خصائص
امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را هدایت کند. اما
همین کتاب سبب خشم و غضب ناصبی‌ها و
سرانجام مرگ او گردید.

ویژگی‌های کتاب

۱- در این کتاب ۱۹۴ حدیث در ۶۳

فصل تدوین شده است. احادیث در شرح
فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و افراد دیگری
چون حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن و امام
حسین علیهما السلام و بعضی از اصحاب
امیرالمؤمنین علیه السلام است که به نوعی
فضائل آن‌ها، فضیلتی برای
امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب می‌شود.
و نیز احادیثی در این مجموعه گردآمده
است که در آن‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از وقایع
آینده خبر می‌دهد و با بیان اوصاف
گروه‌های مختلفی چون خوارج نهروان که
در آینده رخ خواهند نمود، حقانیت
امیرالمؤمنین علیه السلام را در حوادث آینده
تبیین می‌نماید.

۲- اسناد احادیث از جهت صحت و
ضعف در زیرنویس‌ها مورد دقت قرار گرفته
و جز اندکی، روایات این مجموعه موثق و
معتبرند.

۳- بعضی از الفاظ که نیاز به توضیح
داشته است، در زیرنویس‌ها توضیح داده
شده است.

مطالعه این کتاب برای مبلغان محترم
مخصوصاً برای بیان فضائل
امیرالمؤمنین علیه السلام در سال آن حضرت
توصیه می‌شود.



گزیده‌ای از این اثر

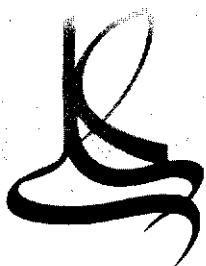
○ محبوب‌ترین خلق خدا

انس بن مالک می‌گوید: «پرنده‌ای نزد پیامبر ﷺ بود. آن حضرت فرمود: **اللهم انتنی باحبّ خلقک الیک یا کل معی من هذا الطیر؛** خدایا! محبوب‌ترین مخلوق خودت را برایم بیاور تا با من از این پرنده بخورد. ابوبکر آمد. او را رد کرد. عمر آمد. او را رد کرد. علی ﷺ آمد. پس به او اجازه داد.» (ص ۲۷)

جمیع بن عمیر می‌گوید: «با مادرم بر عایشه وارد شدیم. از پشت پرده شنیدم که مادرم از عایشه در مورد علی ﷺ سؤال کرد. عایشه گفت: از من دربارهٔ مردی سؤال می‌کنی که احدی را نمی‌شناسم که از او و همسرش نزد رسول خدا ﷺ محبوب‌تر باشد.» (ص ۱۶۴)

○ اگر یکی از آن‌ها برای من بود ...

عامر بن سعد بن ابی وقاص می‌گوید: «معاویه به سعد بن ابی وقاص گفت: چرا ابوتراب را دشنام نمی‌گویی؟ گفت: به خاطر سه چیز که رسول خدا ﷺ برای او (علی) فرمود، او را ناسزا نمی‌گویم که اگر یکی از آن‌ها برای من بود، از شتران سرخ مو برایم بهتر بود:



... پیامبر خدا در حالی که در یکی از غزواتش او (علی) را جانشین خود [در شهر] ساخته بود و علی ﷺ به او گفت: یا رسول الله! تخلفنی مع النساء و الصبیان؛ ای رسول خدا! آیا مرا با زن‌ها و بچه‌ها جا می‌گذاری؟ رسول خدا ﷺ به او فرمود: اما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبوة بعدی؛ آیا راضی نمی‌شوی که از من به منزلهٔ هارون از موسی باشی، جز این که نبوتی بعد از من نیست؟ و از پیامبر در روز خیبر شنیدم که می‌فرمود: لا عظیم الزایة رجلا یحبّ الله و رسوله، و یحبّه الله و رسوله؛ پرچم را به مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسول او نیز او را دوست دارند.

پس ما گردن‌هایمان را به سوی آن کشیدیم. [ولی رسول خدا ﷺ] فرمود: ادعوا الی علیاً؛ علی را به سوی من



سپس فرمود: **اِنَّ اللّٰهَ مَوْلَايَ وَاَنَا وَلِيٌّ**
كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ خداوند مولا [و سرپرست] من و
 من ولی [و سرپرست] هر مؤمنم.

آن گاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:
مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا، فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللّٰهُمَّ وَاَلِ مَنْ
وَالَاهُ وَاَعَادَ مِنْ عَادَاهُ؛ هرکه من ولی [و
 سرپرست] اویم پس این (علی) ولی اوست.
 خدایا دوست بدار هرکه او را دوستی کند و
 دشمن باش هرکه را که با او دشمنی کند.

(صص ۱۱۷ - ۱۲۰)

پی نوشت ها:

۱- احزاب/۳۳.

بخوانید. علی علیه السلام آمد در حالی که چشم او
 درد می کرد. پس آب دهان در چشمانش
 مالید و پرچم را به او داد.

و زمانی که آیه **«اِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ**
عَنكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ» نازل شد،
 رسول خدا صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و
 حسین علیهم السلام را فرا خواند و فرمود: **«اللّٰهُمَّ**
هٰؤُلَاءِ اَهْلِيْ [اهل بیتی]؛ خدایا اینها
 اهل بیت من هستند.» (ص ۳۳)

○ حدیث غدیر

ابی طفیل از زید بن ارقم نقل می کند که
 گفت: «زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از
 حجة الوداع برگشت و در غدیر خم فرود آمد
 ... فرمود: **كَاُنِّيْ قَدْ دَعَيْتَ، فَاجْبِتْ [و] اِنِّيْ**
قَدْ تَرَكْتُ فِيْكُمْ التَّقْلِيْنَ اِحْدَهُمَا اَكْبَرُ مِنْ
الْاٰخَرِ: كِتَابُ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِيْ اَهْلَ بَيْتِيْ،
فَانظُرُوْا كَيْفَ تَخْلَفُوْنِيْ فِيْهِمَا، فَانَّهُمَا لَنْ
يَتَفَرَّقَا حَتّٰى يَرِدَا عَلٰى الْحَوْضِ؛ دعوت
 شدم پس اجابت کردم. من در میان شما دو
 چیز گران بها باقی گذاشتم که یکی از آن دو
 بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا و عترتم
 [یعنی] اهل بیتم. پس بنگرید که چگونه در
 آن ها جانشین من خواهید شد. پس آن دو
 از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر من [در کنار]
 حوض کوثر وارد شوند.

